

سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از علماء و طلاب حوزه‌های علمیه قم و تهران - 2 / اسفند / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز، مجموعه‌ای از خاطرات پراهمیت دوران انقلاب و همچنین پیش از آن، خاطرات پرشکوه صدر اسلام پیش روی ماست. از طرفی، روز شهادت حضرت ابی‌الحسن موسی‌بن جعفر (علیه‌الصلاه والسلام) نیز است که یک خاطره‌ی فراموش نشدنی است. پس از سی‌وپنج سال مبارزه‌ی سخت - که واقعا برای من و شما درس است - آن بزرگوار در تلخترین شرایط در سال 138 به شهادت رسیدند.

یک نگاه به زندگی این بزرگواران نشان می‌دهد که ما یک تاریخ نورانی و بسیار آموزنده از این بزرگواران معصوم در اختیار داریم که در درجه‌ی اول برای روحانیت شیعه و علمای دین و در درجه‌ی بعد برای عموم مردم، تا قرنهای متمادی درس و ذخیره‌ی معنوی و آموزشی است. این بزرگوار، در میان ائمه (علیهم‌السلام) وضع خاصی دارند که فعلا بنا و مجال نیست درباره‌ی زندگی این بزرگوار و مجاهدتشان مطالبی مطرح بشود؛ ولی همه - مخصوصا جوانها - بدانند و تعقیب کنند که هر روز از این زندگی که ثبت شده باشد، یک درس است.

همچنین ایام شهادت چند تن از علما و شخصیتها و مسؤولان کشور در دوران جنگ است که هوایمی این عزیزان، به‌وسیله‌ی متجاوزان عراقی سقوط کرد و مرحوم شهید محلاتی و دیگران به شهادت رسیدند. این هم از خاطراتی است که هرگز نباید آن را فراموش کرد.

همین‌طور برای جامعه‌ی روحانی و طلاب و مدرسان و علما در سراسر کشور، این ایام با سالگرد صدور پیام کم نظیر امام بزرگوار و فقید درباره‌ی مسایل روحانیت و جامعه‌ی علمی شیعه مصادف است. این پیام، هرگز نباید کهنه شود و کاری را که در حوزه‌ی مبارکه‌ی قم و دیگر مراکز روحانی، بر اساس این پیام شروع کردند، بزرگ بشمارند و نگذارند این کار، اندک توقفی پیدا بکند.

همین‌طور، این روزها با سالگرد حادثه‌ی آخر بهمن تبریز در سال 56 مصادف است که یکی از قدمهای بزرگ ملت ما در جهت پیروزی انقلاب بود و یاد و نام آن مردم مبارز و مجاهد و شجاع و ربط و وصل مستحکم و مستمر آنها با روحانیت اسلام و با امام و انقلاب را برای همیشه مسجل کرد. این هم یک خاطره است و ما در مجموعه‌ی این مناسبتها، دور هم جمع شده‌ایم و شما آقایان محترم و علما و فضلا و مدرسان و طلاب عزیز، از مراکز دیگر به این‌جا تشریف آوردید تا قدری درباره‌ی مسایل حوزه صحبت کنیم.

مسأله این است که اگر این انقلاب، انقلابی اسلامی نبود و پرچم آن به دست علمای دین نبود، قطعاً به پیروزی نایل نمی‌شد و به تشکیل یک دولت مستقل و سرافراز و نیرومند منتهی نمی‌گردید. این، تحلیل ما نیست؛ بلکه تحلیل همه‌ی کسانی است که مسایل این انقلاب را از پیش از پیروزی تا امروز تعقیب کرده‌اند.

در سال 56 و 57 هم جبهه‌ی مقابل - یعنی زمامداران ظالم و فاسد و روبه زوال و کسانی که با تفکر دینی و شخصیت روحانی مخالف بودند - تحلیلشان همین بود و براساس این تحلیل، تلاش می‌کردند که روحانیون را از صحنه کنار بزنند یا بین آنها اختلاف ایجاد کنند و یا بین آنها و مردم فاصله به وجود بیاورند؛ ولی نتوانستند این کار را بکنند - نه این که نخواستند یا تلاش نکردند. "چرا نتوانستند" هم یک پاسخ مفصل دارد. واقعا اگر کسی بخواهد این انقلاب را تحلیل کند و شکفتن این گل و روییدن این نهال و جوشیدن این چشمه را در سنگلاخ و کویر زمان کنونی فرهنگ جهان درست ترسیم بکند، به این آسانیه‌ها نخواهد توانست پاسخ روشنی برای این سؤال پیدا کند.

یکی از علایم و نشانه‌های قدرت و اراده‌ی خدا برای پیروزی انقلاب این بود که آن رهبر بی‌نظیر را برانگیخت. من، به این نتیجه و اعتقاد خیلی نزدیک شده‌ام که خداوند متعال در طول دهها سال قبل از به ثمر رسیدن این انقلاب، زمینه‌ی این پیروزی را - که پیروزی دین و اسلام در دنیا است - با تشکیل حوزه‌ی قم و تربیت شخصیتهایی و در میان آنها برجسته کردن آن شخصیت کم‌نظیر و قرار دادن آن گل آتش در میان خرمن انبوهی از زغال و تبدیل همه‌ی اینها به یک آتش گداخته و گیرا، فراهم فرمود.

اگر کسی با چشم معمولی هم قضایا را نگاه کند و ترتیب طبیعی علل و عوامل را مورد بررسی قرار دهد، می بیند که حضور و پیشگامی و هوشیاری و وظیفه شناسی و برخی از خصوصیات ممتاز روحانیت، یکی از مهمترین عوامل و شاید يك عامل تعیین کننده در بروز و پیروزی و سیر این انقلاب و نیز تشکیل دولت و حکومت و نظام جمهوری اسلامی و ادامه ی آن تا امروز بوده است. دشمن هم این را می داند. لذا فشاری که در گذشته و الان، از طرف دنیای استکباری روی این انقلاب وارد می شد و می شود، در درجه ی اول به دین و روحانیت متوجه است. اگر روحانیون کشور ما در میدان نبودند و پرچم انقلاب به دوش آنها نبود، این پیروزی به دست نمی آمد. این را دشمن می داند؛ لذا حقد عظیم او در درجه ی اول متوجه اسلام و روحانیت است.

روحانیت باید دوگونه به مسأله نگاه کند و می کند:

یکی این که توجه داشته باشد و دارد - و مردم هم متوجه باشند - که برای تداوم انقلاب نیز حضور روحانیون ضروری است و فعال بودن روحانیون، شرط لاینفک بقای انقلاب و استقلال کشور و نظام جمهوری اسلامی است. بنابراین، روحانیون باید باشند؛ آن هم با فعالیت و دلسوزی و از خود دانستن انقلاب و جانانه دفاع کردن؛ همچنان که در این چند سال نشان دادند و در صحنه ی نظامی و جبهه حضور پیدا کردند و جوانهای تفنگ به دست و آر.پی.جی به دوش و لباس بسیج پوشیده را آماده ساختند و شهدای به خون غلطیده یی را تقدیم اسلام کردند. همچنین در صحنه های سیاسی و تبلیغاتی و تربیت نیرو در حوزه های علمیه و بخصوص در حوزه ی مبارکه ی قم فعال بودند و در آینده هم باید با حجم بیشتر و کیفیت بالاتر و دلسوزی چند برابر، فعال باشند.

يك نگاه دیگر این است که روحانیون و بخصوص بیدارترها و بصیرترها و دلسوزترها - که در قشرهای مختلف روحانی، بحمدالله این خصوصیات به وفور پیدا می شود - ببینند شرایط تأثیر کامل حضور روحانیت برای انقلاب و پیشرفت هدفهای آن چیست؛ آن شرایط را تأمین کنند. آفات چیست؛ از آن آفات پیشگیری کنند و اگر هست، آن را رفع نمایند. این نکته، جدی است و شعار نیست. این، حرکتی است که اگر شد، پیروزی تداوم پیدا خواهد کرد و روزه روز بر اوج اسلام و قدرت جمهوری اسلامی و سعه ی میدان این ندای ملکوتی در عالم افزوده خواهد شد. اگر این حرکت انجام نشد، مشکلات و موانع و - خدای ناخواسته - ناکامی پیش خواهد آمد؛ آن هم برای اسلام و مسلمین در سطح جهان. این قدر مسأله حساس است. باید دید روحانیت چه کرد و چگونه شد که توانست يك نهضت به این عظمت را از راهی به این دشواری عبور بدهد و به نقطه یی بدین سرافرازی برساند. همه ی رهبرها نمی توانند این کارها را بکنند.

مکرر عرض کرده ایم که در خیلی از مناطق دنیا، انقلابها با نفس دین شروع شد؛ اما به خاطر ضعف رهبری، از دین فاصله گرفت و گاهی هم ضد دین شد. در تاریخ خودمان در نهضت مشروطیت دیدیم که روحانیون آمدند يك حادثه ی بزرگ (نظام مشروطیت) را در کشور ایجاد کردند و پایان دوره ی استبداد را تدارک دیدند، بعد همین مشروطیت، پایگاهی برای ضدیت با دین و روحانیت شد و هنوز ابتدای کار بود که روزنامه های صدر مشروطیت، به نام آزادی شروع به کوبیدن دین کردند، تا جایی که یکی از شخصیت های روحانی آن زمان - مرحوم آقا شیخ فضل الله نوری - که جزو پیشروان مشروطیت بود، در مقابل آن مجلس و مشروطیت ایستاد و سرانجام هم به شهادت رسید. اگر روحانیون، به آینده به چشم يك میدان کار ننگرند و برای آن برنامه ریزی نکنند و آفات مسیر را از سر راه بر ندارند، دنبال این غفلت، ضربه است. در این هیچ شکی نیست. اگر روحانیون، آینده را با چشم باز و بصیر نگاه کنند و خود را برای ادامه ی حمل این بار آماده نمایند و وظایفشان را پیش بینی و خودشان را آماده ی عمل به آن بکنند، اسلام در سطح جهان روزه روز قوت خواهد گرفت. در این هم هیچ تردیدی نیست.

همین حرکتی که امام بزرگوارمان کرد، امروز دنیا را در يك کوره ی عظیم التهاب انداخته و شرق و غرب را دور خودشان می چرخاند. این حوادث دنیا - بعضی مستقیم و بعضی غیرمستقیم - به انقلاب اسلامی ما مربوط است. این که امروز در دنیای شکل گرفته ی دوقطبی، يك قطب از صحنه ی سیاسی عالم برداشته شد و دیگر چیزی به نام بلوک شرق و سوسیالیسم وجود ندارد، این که معادلات جهانی در روابط قدرتها و دولتها و کشورهای کوچک و ملتها و رژیمهای گوناگون، کاملاً به هم ریخته، مربوط به پیروزی انقلاب اسلامی و دین در ایران و مربوط به بیداری

مسلمانها و آگاه شدن حس دینی در وجدانهاست.

البته، عوامل دیگری هم وجود دارد که آن عوامل، زمینه‌ها هستند. هر حادثه‌یی در دنیا، متکی بر یک سلسله زمینه‌هاست. بعد عاملی وارد میدان می‌شود و حادثه‌یی را در این زمینه‌ها به وجود می‌آورد. این عامل، در دنیای جدید "انقلاب اسلامی" و پیروزی آن و تشکیل یک نظام بر مبنای دین و ارزشهای معنوی بود. حرکت ما در قدم اول، این طور در دنیا حادثه‌آفرینی کرده است.

اگر نظام جمهوری اسلامی، قوی و صادق باشد - صادق یعنی آنچه را که گفته عمل کند و از راه خودش بر نگردد و این دامنه را مستقیم به سمت همان قله و هدفهایی که ترسیم کرده، بپیماید - بدانید هر قدمی که این ملت و علمای ما بردارند و نظام جمهوری اسلامی به پیش برود، در اوضاع دنیا یک حرکت و تغییر به وجود خواهد آورد و همه‌ی این پیشرفته‌ها و حوادث، در جهت اعلائی کلمه‌ی اسلام و ارزشهای معنوی و دینی خواهد بود. این که شما می‌بینید دولتهای غربی و سرمایه‌دارهای بزرگ جهانی، این گونه از ما عصبانیند، به همین علت است. هرکار هم بکنند، همین خواهد بود.

من، در یک جمله بگویم: استکبار و دشمن، نسبت به ما هیچ کاری نمی‌تواند انجام بدهد که ما شکست بخوریم و او پیروز و کامیاب بشود. او نمی‌تواند ما را شکست بدهد؛ ولی خود ما می‌توانیم. ما می‌توانیم کاری بکنیم که خدای نکرده دشمن خوشحال شود و مشکل از سر راه او برداشته بشود و اسلام خجل و سرافکنده گردد و این راه بریده بشود. ما اگر ایستاده باشیم، دشمن نمی‌تواند کاری بکند. الان، وضعیت این گونه شده است. قبل از پیروزی، شاید می‌توانستند خیلی کارها بکنند؛ ولی حالا دیگر نمی‌توانند. اگر من بخواهم این مطلب را باز کنم، حرفهای زیادی وجود دارد که نمی‌خواهم وارد آنها بشوم.

علمای دین و جوامع روحانی وظایفی را برعهده دارند تا آینده به شکل صحیح و خدایسند و مطلوبی شکل بگیرد. همه‌ی فرمان را باید روی این موضوع متمرکز کنیم. راه هم این است. کلید رمز را باید این گونه پیدا کرد. باید دید جهات مثبت روحانیت که به او امکان داد این حرکت عظیم را بکند و دنیا را در آستانه‌ی یک تحول قرار بدهد، چیست. باید آن جهات مثبت را در خودمان تقویت کنیم و اگر جهات منفی‌یی در گذشته وجود داشته، از آن بترسیم و راهش را سد کنیم و نگذاریم نقاط منفی جدیدی هم پیدا بشود.

نقاط مثبت در جامعه‌ی روحانیت - که جامعه‌ی علمی شیعه است - روشن می‌باشد. علم و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و شجاعت و ایستادگی در برابر قدرتها و زورگوها و اتصال به توده‌ی مردم، نقاط مثبت روحانیت ماست. مردمی بودن و درد آنها را احساس کردن و برای آنها دل سوزاندن و کار کردن و به دشمنانشان نزدیک نشدن، خصوصیتی است که هیچ فرقه‌یی از فرق روحانی در عالم، آن را نداشته است و الان هم ندارد. اگر این خصوصیت نبود، اطمینان مردم به روحانیت جلب نمی‌شد که به خیابانها بیایند و آن طور جان خود را در راه آرمانهای این انقلاب در معرض خطر قرار بدهند. این، خصوصیات مثبت روحانیت است؛ اینها را به شدت حفظ کنیم.

حوزه‌های علمی، باید کانون علم بمانند. ما باید هرچه در توان داریم، علم را خالصتر و صافتر و از زواید پیراسته‌تر کنیم. این حرکت به سمت ترتیب برنامه‌های علمی حوزه‌های علمیه، یک حرکت واجب است. اگر این نباشد، علم پیشرفت نخواهد کرد. علم، مثل درختی است که یکی از موجبات رشد آن، هرس کردن و چیدن زواید آن و اجازه ندادن به رشد شاخه‌های زیادی و بوته‌های مزاحم است.

مسأله‌ی دیگر که به همین اندازه اهمیت دارد و بارها امام بزرگوارمان تکرار می‌کردند و در جاهای دیگر هم مکرراً گفته شده، بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و جلوه‌های آن است. در این راه، از لذتهای مادی زیادی باید گذشت و خدا را شکر می‌کنیم که روحانیت معظم ما، این خصوصیت را حفظ کرده است؛ اگر چه میدان بی‌اعتنایی و بی‌رغبتی به دنیا گسترده است و می‌توان در این میدان خیلی پیش رفت.

شخصیتها و چهره‌هایی را می‌شناسیم و می‌بینیم که در این چند سال، وجود و حرف و منششان مؤثر بوده است و به زخارف دنیا بی‌رغبت بوده‌اند و نخواستند به نفس و شهوات خود پاسخ بدهند و در مقابلشان ایستادند و آنها را کوچک شمردند.

درمقابل اهداف بلند، ما نمی‌توانیم مثل امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) عمل کنیم - خود آن بزرگوار هم همین را فرمود - لیکن می‌توانیم ورع و تقوا و بی‌اعتنایی و بی‌طمعی را در خودمان حفظ و تقویت کنیم. این کار، امروز برای روحانیون یک وظیفه‌ی مبرم است و طلاب و فضلا و مسؤولیت‌دارهای روحانی و شاغلان به این جهت، باید خیلی توجه کنند؛ چون این راه، راه پیامبران الهی و نیز کسانی چون امیرالمؤمنین (علیه‌م‌الصلاه‌والسلام) است که کمترین اعتنایی به این دنیا نکردند. این راه را باید این گونه رفت و در مقابل زورمندان، شجاعت و شهامت داشت و به مردم تکیه کرد.

حقیقتاً مردم ما، آن‌چنان برجستگی‌یی در راه آرمانهای اسلام و انقلاب از خود نشان دادند که انسان در مقابل عظمت این ملت، سر تعظیم فرود می‌آورد و در خود احساس حقارت می‌کند. ببینید در این یازده سال، چه مراحل را گذراندند و چگونه به خاطر خدا در این راه دشوار پای فشردند. همه‌ی چشمها در دنیا منتظر بود که ببیند ملت ایران بعد از امام چه خواهد کرد. هر تجربه‌یی که بعد از رحلت حضرت امام (ره) در این چند ماه تاریخ و سخت و غم‌انگیز پیش آمد، این ملت با اخلاص و شجاعت و هوشیاری خود، آن‌چنان جلوه‌هایی نشان دادند که فضا را منور کردند. همین راهپیمایی عظیم 22 بهمن امسال، حقیقتاً یکی از مواردی بود که در تاریخ این ملت، به عنوان سند افتخار و نقطه‌ی روشن و منور خواهد ماند.

من نمی‌خواهم به خاطر این حرکت عظیم، از مردم تشکر بکنم؛ مسأله مربوط به خود آنهاست. من چه کسی هستم که از آنها تشکر کنم؟ اما می‌خواهم از آنها تجلیل و نسبت به آنها تعظیم نمایم. حقیقتاً حرکت مردم، حرکت مخلصانه و شجاعانه و فداکارانه و هوشیارانه و کاملی بود. همه‌ی حرکات آنها در طول این یازده سال، همین گونه بوده و دشمن را منکوب کرده است.

می‌بینید که هر وقتی حادثه‌یی مثل 22 بهمن و نشانه‌یی از حضور مردم داریم، بلافاصله تبلیغات و شایعه‌پراکنیهای دشمن، از غیظ و ناراحتی چند برابر می‌شود. حالا هم همین‌طور است. الان می‌بینید که جو شایعه است و رادیوهای خارجی و دشمنان بی‌آبرو، دائماً تبلیغات سوء می‌کنند. خدا را شکر می‌کنیم که دشمنان جمهوری اسلامی، پیش این ملت ذره‌یی آبرو و اعتبار ندارند.

این مردم با اخلاص، در جهت هدفهای انقلاب، زمینه و قهرمان میدان فعالیت و یکه‌تاز در این دنیای آشفته‌اند. من و شما باید جایگاه و سهممان را پیدا کنیم و نقش خود را ایفا نماییم. امروز، وظیفه‌ی روحانیت خیلی سنگین است. البته، به این نکته هم اشاره کنم که در طول هزار و اندی از تاریخ روحانیت شیعه، هیچ وقت به خوبی و کارایی و مفید بودن امروز نبوده است. امروز، روحانیت شیعه از همه‌ی دوران طولانی عمر پربرکت خود، مفیدتر و پربرکت‌تر و بیشتر در خدمت اسلام و مسلمین است - در این، هیچ تردیدی نیست - اما زمان و زمینه‌ی کار و وضعیت این ملت بزرگ، از ما تلاش بیشتری را می‌طلبد. باید خیلی کار و تلاش کنیم.

طلاب عزیز و فضایی جوان، نباید حتی برای یک لحظه، حضور در میدانهای گوناگون را فراموش کنند. این حضور، با درس خواندن منافات ندارد؛ بلکه مؤید درس خواندن است. همان طور که امام بزرگوار در پیام فراموش نشدنی خود فرمودند، فضلا و جوانهایی که تفقه را در میدانهای خودش فرا گرفتند و مندر قوم خود شدند و میدان جنگ را میدان آزمایش نفس و تکامل معنوی خویش قرار دادند و پیش رفتند، این میدانها را رها نکنند. امروز هم خطوط و میدانها و صحنه‌های نظامی و غیرنظامی و فرهنگی، محتاج حضور فعال شماست. مدرسان معظم و محترم و اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم و سایر حوزه‌ها، طلاب را به سمت هدفهای انقلابی و اسلامی سوق بدهند.

درست است که امروز روحانیت و اسلام، راه و جایگاه خود را کاملاً پیدا کرده‌اند؛ اما این طور هم نیست که افکار انحرافی، بکلی از بین رفته و ریشه‌کن شده باشد. کسانی که هنوز نتوانسته‌اند جلوه‌ی انقلابی اسلام را درک کنند، باز هم در حوزه‌ها و در کسوت روحانیت هستند. هنوز کسانی که به جای کینه‌ی امریکا و دشمنان، قلبهای آنها جایگاه کینه‌ی مجاهدان فی سبیل‌الله و جوانان مؤمن و پرچمداران حقیقت است، در حوزه‌ها و بیرون از حوزه‌ها نیز پیدا می‌شوند. همان متحجرانی که امام مکرر اشاره کردند - یعنی دوستداران و شیفتگان اسلام امریکایی؛ اسلامی که روحانیت و دین و معنویت را از مسیر خود و از مردم و خدا دور می‌کند و مایه‌ی شادی و آسایش دل دشمنان

خدا می‌شود - هنوز هستند. در همه‌ی جبهه‌ها، حضور جوانهای مؤمن و فعال و فضایی جوان در سمت هدفهای انقلاب، یک ضرورت است.

برادران! ما هنوز در اول کاریم. هیچ کس تصور نکند که روحانیت تلاش خود را کرد و به نتیجه رسید، پس برویم بنشینیم فقط مشغول کارهای شخصی یا درس خواندن خودمان باشیم. البته، درس خواندن یکی از کارهای اساسی است؛ اما همه‌ی کار نیست. روحانیت، در آغاز کار است. انقلاب، در عمر یازده ساله‌ی خود، در اوایل دوران جوانی است. در عمر یک انقلاب و یک ملت و در مقیاسهای این‌طوری، این یازده سال چند روز بیش نیست. هنوز اول کار است، باید تلاش کنیم. طلاب جوان، خودشان را بسازند. فضلا و مدرسان و اساتید و علمای بزرگ، جهت حوزه‌ها را در جهت ساختن انسانها و علمایی منطبق با معیارهای اسلامی قرار بدهند و عناصر فولادین و هوشیار و خسته‌نشو و مؤمن تربیت کنند و نسخه‌های کامل امام بزرگوارمان را در حوزه‌ها به‌وجود آورند. اسلام، به این نیروها و عناصر احتیاج دارد. اگر چه یک شخصیت آن‌چنانی می‌تواند ملتی را نجات دهد، اما ملتهای مسلمان و جهان و حرکت انقلاب و آینده‌ی تاریخ خودمان نیز احتیاج زیادی به این گونه عناصر دارد. حوزه‌ها خیلی کار و مسؤولیت دارند. مسؤولیت، بر دوش همه است و فقط بردوش مراجع و مدرسان یا طلاب و فضایی جوان نیست؛ بلکه هر کسی نسبت به توان و امکانات خود در حوزه‌های علمیه، مسؤولیتهایی دارد. مهم این است که به حرف و تحسین بیان امام اکتفا نشود.

حقیقتاً راه به سمت کامل کردن و آینده‌نگری در کار حوزه‌ها، باید برنامه‌ریزی بشود و کسانی که می‌توانند، با استمداد از پروردگار، این راه را طی کنند. بدانید که مردم از هر حرکت به سمت رشد صحیح جامعه‌ی روحانیت، خشنود و خوشحال می‌شوند؛ همچنان که اگر خدای نکرده، روحانیون را سرگرم مسایل شخصی و دنیایی و یا بی‌ربطی و عدم توجه به مسایل انقلابی و یا غرق شدن در دسته‌بندیهای سیاسی و غیره ببینند، نگران می‌شوند. وظیفه‌ی علمای دین و روحانیون عزیز این است که رضای الهی و مصلحت مردم را بر هر چیز دیگری مقدم بدانند. از جمع شما آقایان محترم و عزیزان و علما و مدرسان و فضلا و طلاب که از نقاط مختلف تشریف آوردید، صمیمانه تشکر می‌کنم. از خدای متعال برای شما و خودم هدایت و کمک و اعانت مسألت می‌کنم و امیدوارم ان‌شاءالله روزبه‌روز بر رونق و شکوفایی اسلام و هدفها و انقلاب مقدس اسلامی و تقویت نظام مقدس جمهوری اسلامی افزوده بشود.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته